

در پاسخ به جوابیه اقلیت تشکیلاتی

جمعی از اعضای حزب کمونیست ایران که از مدتی قبل از برگزاری کنگره سیزدهم کومه له تشکیل "فراکسیون فعالیت بنام کومه له" را اعلام کردند و تاکنون نیز تحت همین عنوان فعالیت می کنند، به تاریخ ۱۹ سپتامبر با انتشار متن جوابیه ای، موضع خود را در قبال قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد این فراکسیون اعلام کردند.

نوشته مذکور متأسفانه مملو از اتهامات ناروا است و لحن پرخاشگرانه ای دارد. بکار بردن این فرهنگ و ادبیات در مجادلات درون تشکیلاتی در گذشته امتحان خود را پس داده است، ما به هیچ وجه نمی خواهیم به دنباله روی از فضایی پردازیم که نویسندگان این جوابیه عمداً به آن دامن می زنند و از کلیه رفقای تشکیلاتی هم که در اینگونه موارد به ابتکار شخصی دست بقلم می برند، انتظار داریم همین روش را پیشه کنند. در جواب به نوشته مذکور توجه این رفقا و همه علاقه مندانی که مباحث مربوط به اختلافات درون حزب کمونیست ایران و کومه له را با احساس مسئولیت تعقیب می کنند، به نکات زیر جلب می کنیم.

۱- بر خلاف آنچه که در این نوشته جوابیه به آن اشاره شده است، محتوای واقعی اختلاف نویسندگان آن با کل موجودیت حزب، با برنامه سراسری حزب، با برنامه مشخص کومه له در کردستان، با استراتژی سیاسی و خط مشی کومه له و حزب است. دامنه این اختلافات به شهادت آنچه که در بیانیه اعلام موجودیت "فراکسیون" آمده است بسیار فراتر از چهارچوب منطقی یک فراکسیون درون حزبی است. نکات زیر که در بیانیه مذکور آمده است، در این زمینه گویا است. آنها نوشته اند:

"..... ادعای موجودیت یک حکای غیر واقعی، خود نمودی از نگرش کلی تری است که ما خود را در تقابل با آن دیده ایم و می بینیم. به عبارت دیگر حتی در صورت فعالیت همگی ما تحت نام کومه له، باز یک بازنگری همه جانبه به سیاستها و روشها و... از دیدگاه ما ضروری می بود و هست..."

"...سوسیالیسمی که در حکا و کومه له از ان دفاع می شود، تنها بدرد توجیه موقعیت ویژه برای عده ای محدود و علامت رمزی برای ابراز وفاداری افراد یک جمع نسبت به یکدیگر و کسب مجوز ماندن در این جمع است و گر نه نماینده هیچ ایده و تئوری پیشرفته تری نسبت به گذشته کومه له و خواه گذشته جنبش سوسیالیستی نبوده و برعکس همچون نیروی مقاومت در برابر سیر انتقاد و پلمیک تئوریک و تعمیق آگاهی سوسیالیستی عمل می کند..."

"..... گویا اگر به مرحله ای برسیم که شعارهای نابود باد سرمایه داری و زنده باد و برقرار باد سوسیالیستی از زبان عده کثیری تکرار شود و اموال سرمایه داران ضبط گردد، چیزی به آخر نمانده است. همه کس می تواند ثابت کند که این امر در خوشبینانه ترین حالت به جز یک سرمایه داری دولتی بنام سوسیالیسم با یک طبقه تازه

بدوران رسیده حزبی در راس آن به نام طبقه کارگر و جز یک نظام تک حزبی مختق کننده توده ها چیزی دیگری ببار نخواهد آورد...."

"... ضرورت بازبینی و شکافتن تاکتیکها، سیاستها و چشم اندازهای سیاسی_ فکری به گمان ما غیر عینی و نامطبق بر واقعیت، همچنین روش، سبک و شیوه های کاری_ تشکیلاتی عقیم و ناموفقی که بر مجموعه عملکردهای تشکیلاتی و سیاسی رو به جامعه و در درون حزب سایه انداخته است...".

"برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان همان برنامه حکا است با زبانی ناروشن تر و التقاطی تر از آن. یعنی از بسیاری جهات برنامه ای برای عمل نیست بلکه تنها برای نفس ارائه آن است. ما تلاش خواهیم کرد از طریق بحث های علنی در نقد برنامه های موجود از جمله همین " برنامه کومه له برای حاکمیت مردم در کردستان" به شکل گیری و ارائه یک برنامه زمینی، روشن و قابل درک و اجرا برای توده های کارگر و زحمتکش یاری برسانیم...."

(بیانیه اعلام فراکسیون .. کلیه تاکید ها از ما است)

اظهارات فوق به روشنی نشان می دهد که بحث بر سر این نیست آیا وجود فراکسیون در حزب کمونیست ایران مجاز هست یا مجاز نیست بلکه بحث بر سر این است که این فراکسیون مواضع و دیدگاه هایی دارد که با کل برنامه، استراتژی و سیاستهای حزب در کردستان و در سطح ایران مغایر است و به همین دلیل است که در قطعنامه مصوب پلنوم کمیته مرکزی حزب آمده است که:

"مفاد بیانیه اعلام موجودیت "فراکسیون بنام کومه له" بسیار فراتر از یک اختلاف تاکتیکی معین و یا اختلاف بر سر سیاست مشخصی می باشد و مضامین آن در مغایرت و تقابل با حزب کمونیست ایران، برنامه و مبانی استراتژی سیاسی و مبانی سیاستها و تاکتیک های حزب کمونیست ایران و کومه له قرار دارد".

۲_ این رفقا در مخالفت با تفسیر کمیته مرکزی حزب از جهت گیری کنگره سیزدهم در مورد اعلام فراکسیون می نویسند:

"هیچ قرار و مصوبه ای از کنگره سیزدهم کومه له در دسترس نیست که بتوان به آن استناد کرد که اعلام فراکسیون را غیر ضروری تشخیص داده باشد. بعلاوه تصمیم کنگره کومه له مبنی بر احاله این موضوع به کمیته مرکزی حزب، بیانگر آن است که کنگره در ارتباط با موضوع اساسنامه و حقوق اقلیت و مسئله قراکسیون ناروشنی دارد."

واگذار کردن تصمیم گیری در مورد "فراکسیون"، از جانب کنگره ۱۳ کومه له به پلنوم کمیته مرکزی حزب به هیچ وجه به دلیل ناروشنی کنگره در برخورد به "فراکسیون" نبود. کلیه بحثهای مربوط به این موضوع از تلویزیون کومه له پخش شده اند. این بحث ها به خوبی جهت گیری اکثریت بیش از نود درصد اعضاء کنگره را در برخورد به موضوع "فراکسیون" که در محتوای خود منطبق با قطعنامه مصوب پلنوم کمیته مرکزی حزب بود،

را نشان می دهد. اما کنگره از لحاظ اساسنامه ای نمی توانست در این مورد تعیین تکلیف کند و به این دلیل بود که رسیدگی نهایی به این مسئله را به تصمیم کمیته مرکزی حزب واگذار کرد و در این رابطه قرار زیر را به تصویب رساند:

"کنگره سیزدهم کومه له موضوع مربوط به اعلام فراکسیون فعالیت به نام کومه له را مورد بحث و بررسی قرار داد.

از آنجا که مطابق اساسنامه حزبی، این کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران است که در رابطه با به رسمیت شناختن یا عدم به رسمیت شناختن این فراکسیون تصمیم می گیرد، لذا کنگره از کمیته مرکزی حزب می خواهد که در اولین پلنوم خود با توجه به جهت گیری های عمومی کنگره موضع رسمی تشکیلات را به جامعه اعلام نماید.

بدیهی است که کنگره حق این رفقا بعنوان یک اقلیت حزبی را مبنی بر استفاده از رسانه های حزبی برای انتشار نظرات و دیدگاههایشان به رسمیت می شناسد."

همانطور که می بینیم در این قرار با تاکید بر حق اساسنامه ای اقلیت حزبی مبنی بر استفاده کردن از رسانه های حزبی برای اشاعه نظراتشان و واگذار کردن تصمیم گیری در مورد برسمیت شناختن یا عدم برسمیت شناختن فراکسیون به کمیته مرکزی، به روشنی نشان می دهد که کنگره میان اقلیت حزبی و فراکسیون تمایز قائل بوده است.

گذشته از اینها ما از یک کنگره مشخص صحبت می کنیم و حقیقت همیشه مشخص است. در این کنگره اکثریت قریب به اتفاق رفقای که به این قرار رای دادند مخالف تشکیل و اعلام فراکسیون بودند و هستند. کمیته مرکزی کومه له درست چند روز بعد از برگزاری کنگره، در اطلاعیه پایانی کنگره درست با همان جمله بندی ها و عبارات که بعداً در قطعنامه کمیته مرکزی حزب هم آمده است گزارش و تفسیر خود از کنگره کومه له مبنی بر غیر ضروری دانستن فراکسیون را مورد تاکید قرار داده است، این اطلاعیه بیش از ۲۰ روز قبل از قطعنامه کمیته مرکزی حزب انتشار یافته است و در این فاصله زمانی به جز آن چند در صد از اعضای فراکسیون که در کنگره نیز به قرار رای ندادند هیچ رفیق دیگری از نمایندگان و یا اعضای حاضر در کنگره با تفسیر کمیته مرکزی کومه له از جهت گیری کنگره مخالفتی ابراز نکرده است.

۳_ رفقای اقلیت در جای دیگر می نویسند:

"تفسیر اساسنامه در چنین موارد حساسی مثل حق اقلیت، و تفسیر اقلیت بعنوان فراکسیون ...، نه در صلاحیت کمیته مرکزی حزب، که در صلاحیت کنگره حزب است."

بر خلاف آنچه که این رفقا نوشته اند بحث بر سر تفسیر اساسنامه نیست بلکه بر سر اجرای آن است. کمیته مرکزی حزب به عنوان نماینده اکثریت موظف است که این بند اساسنامه را بدون تفسیر و بدون کم و کاست به اجرا در آورد.

در بند ۵ از ماده دوم فصل دوم اساسنامه تحت عنوان اصول تشکیلاتی که رفقای اقلیت هم با استناد به آن فراکسیون خود را تشکیل و اعلام کرده اند چنین آمده است:

"محفوظ بودن حق اقلیت هر سازمان حزبی برای آنکه همه اعضای آن سازمان را از نظر و اختلافات خود با اکثریت مطلع نماید".

کمیته مرکزی حزب در رابطه با اجرای این بند اساسنامه تاکید می کند که این رفقا بعنوان یک اقلیت تشکیلاتی برسمیت شناخته شوند و نه تنها با استفاده از مکانیسم های درون تشکیلاتی مانند جلسات حوزه، جلسات ارگانی، جلسات گفت و شنود، سمینارها و کنگره ها، اکثریت تشکیلات کومه له و حزب را از نظرات و اختلافات خود مطلع نمایند، بلکه این حق را هم داشته باشند که برای اشاعه نظراتشان در سطح علنی از رسانه های حزبی استفاده کنند.

۴- در جوابیه این جمع از رفقا آمده است:

"اگر تاکید می شود که این جمع رفقا محقند که نظراتشان را در رسانه های حزبی منتشر نمایند، دیگر "نپذیرفتن این فراکسیون تحت هیچ عنوانی" چه صیغه ای است؟"

درک مضمون قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی موضوع دشوار و پیچیده ای نیست. زمانی که پلنوم بنا به دلایل صریح و روشنی تاکید می کند که فراکسیون را تحت هیچ عنوانی برسمیت نمی شناسد، منظورش این است که این رفقا بخاطر عمق و دامنه اختلافات سیاسی و تشکیلاتی که با حزب کمونیست ایران و کومه له ابراز کرده اند، محق نیستند با انتخاب نام دیگری (غیر از فعالیت بنام کومه له برای فراکسیون) به فعالیت فراکسیونی خود ادامه دهند.

موضوع مربوط به نامی هم که رفقا برای فعالیت های خود بر گزیده اند از این هم روشن تر است. زمانی که اکثریت یعنی بیش از ۹۰ درصد تشکیلات کومه له و ارگانهای رسمی و مختلف آن با نام کومه له فعالیت می کنند، آشکار است که استفاده آنها از این نام برای پیشبرد فعالیت هایشان مشروعیت تشکیلاتی ندارد، و یا زمانی که در بیانیه اعلام فراکسیون ملقمه ای از دیدگاههای ناسیونالیستی و سوسیال دمکراتیک را بیان می دارید که با مواضع هیچ مقطعی از تاریخ فعالیت کومه له خوانائی ندارد و تلاش می کنید که آنها را به خط رسمی کومه له تبدیل کنید، روشن است که مشروعیت سیاسی استفاده از این نام از جانب آنها بکلی زیر سؤال می رود.

این رفقا نوشته اند: "در کجای اساسنامه آمده است که اعلام "فراکسیون" ممنوع است". اما از خود نمی پرسند در کجای اساسنامه آمده است ضدیت با مبانی فکری و سیاسی حزب و کومه له و کوشش برای انحلال یا تغییر

جهت و اهداف و استراتژی آن در درون حزب مجاز است. اگر در اساسنامه نه اثباتا و نه نفیا در مورد "فراکسیون" بند یا تبصره ای وجود ندارد، این نکته به معنای برداشت دلبخواه از اساسنامه به منظور زیر پا گذاشتن آن نیست.

کمیته مرکزی حزب اگر چه اصولا با تشکیل فراکسیون در حزب مخالفتی ندارد اما همگی بر این اصل توافق نظر دارند که تشکیل و فعالیت فراکسیون باید مطابق موازین تدوین شده اساسنامه ای باشد و یک فراکسیون بعنوان بخشی از تشکیلات که هدف خود را اقناع اکثریت حزب و تبدیل نقطه نظرات فراکسیون به خط رسمی حزب قرار داده است، باید مواضعش در چهار چوب برنامه و مبانی استراتژی سیاسی حزب بگنجد، چون اصولا نباید در حزب معیارهای دوگانه ای برای عضوگیری وجود داشته باشد، تنها معیار عضوگیری اساسنامه حزبی است که بر دو پیش شرط قبول برنامه و اساسنامه حزبی تاکید دارد، مضافا کار در یک ارگان تشکیلاتی و پرداخت حق عضویت، در این مورد مشخص رفقای "فراکسیون" با دیدگاهها و مواضعی که اعلام کرده اند نمی توانند بر اساس اساسنامه حزبی عضوگیری کنند و یا داوطلبان طرفدار خود را به صفوف پیشمرگان کومه له جذب کنند و این یک تناقض آشکار است که مشروعیت تشکیلاتی آن را بکلی زیر سؤال می برد.

۵- این رفقا در جای دیگر می نویسند:

"از نظر ما این قطعنامه در تعارض با حتی حقوق اولیه مندرج در برنامه حزب کمونیست ایران و همچنین مفاد "بیانیه پایه ای حقوق مردم زحمتکش کردستان" مبنی بر آزادی بی قید و شرط سیاسی قرار گرفته است."

اینجاست که لیبرالیسم در مسائل برنامه ای و استراتژی سیاسی و تاکتیک با اپورتونیسیم در مسائل تشکیلاتی توأم می شود و در مبارزه حزبی خود را نشان می دهد. پایه فکری و سیاسی این رفقا در برخورد به مسائل تشکیلاتی همین است. بی جهت نیست که این رفقا الزام به رعایت اصول و موازین تشکیلاتی را بوروکراتیک و کوبیدن بر طبل اختناق می نامند. این رفقا با تاکید بر "تعارض" قطعنامه کمیته مرکزی حزب با آزادی بی قید و شرط سیاسی در واقع دارند حزب و سازمان حزبی را تا سطح موقعیت و حقوق فردی افراد در جامعه و یا یک انجمن صنفی و کانون و محفل پژوهشی تنزل می دهند. واضح است فرد در جامعه از حق آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی برخوردار است و یا اعضای یک انجمن صنفی یا کانون تحقیقی می توانند بر مبنای رعایت آزادی بی قید و شرط سیاسی دور هم گرد آیند و امر مشترکی را پیش ببرند، اما برای انسانهایی که بدون احساس کوچکترین فشاری و آگاهانه با پذیرش برنامه و اساسنامه در یک حزب سیاسی متشکل می شوند و فعالیت حزبی را پیش می برند، آگاهانه آزادی سیاسی خود را در این چهارچوب مشروط می کنند. اگر در جامعه بر مبنای آزادی بی قید و شرط سیاسی افراد و احزاب و نیروهای سیاسی از چپ و راست، از نیروهای کمونیست گرفته تا لیبرال و ناسیونالیست، حزب محیط زیست و ... می توانند فعالیت کنند و موجبات بلوغ فرهنگی و سیاسی جامعه از این طریق فراهم آورند، اما اجرای آزادی بی قید و شرط سیاسی در درون یک حزب سیاسی به

این معنا خواهد بود که برنامه و اساسنامه و اعتقادات مشترک جایگاه خود را برای متحد کردن انسانها از دست می دهد و زمینه های فروپاشی و انحلال حزب فراهم می آید.

۶- این رفقا در سر تا پای این نوشته اتهاماتی بی اساس از قبیل اینکه رهبری حزب فشار روانی می آورد، جوسازی می کند، تهدید می کند، صدای دیگر را حذف می کند، شانناژ می کند زیاده خواهی و انحصار طلبی می کند و بر طبل اختناق می کوبد را بسوی رهبری حزب سرازیر کرده اند. و آنجا که از بحث سیاسی کم می آورند به "روانشناسی قدرت پناه می برند و کمیته مرکزی را به آغاز پایه گذاری سرکوبگری استبداد و توتالیتریزم"، متهم می کنند. این جمع با طرح این اتهامات ناروا که مدتهاست به وجه مشخصه تبلیغات آنها علیه رهبری حزب و کومه له تبدیل شده است، متاسفانه عملاً به موج تبلیغات ژورنالیسم بورژوازی جهانی و نیروهای پیوسته اند که بیش از ۷۰ سال است در تلاشند تا همین تصویر وارونه را از کمونیستها به افکار عمومی القا کنند.

در پایان یادآور می شویم که:

اولاً، با توجه به آنچه که گفته شد پیشنهاد این رفقا مبنی بر تشکیل "کمیسیون مشترک" موضوعیت ندارد. این رفقا می توانند با استفاده از ارگانهای حزبی به تشریح دیدگاههای خود پردازند و از طریق مکانیزم های رسمی تشکیلاتی، مشکلات و مسائل خود را طرح کنند و انتظار رسیدگی و چاره جویی برای آنها را داشته باشند.

ثانیاً، بعنوان یک اقلیت حزبی موظف به پیروی و اجرای قطعنامه کمیته مرکزی حزب هستند. اساسنامه حزب بر اساس: بندهای ۱ و ۲ از ماده دوم فصل دوم اساسنامه که بر تبعیت فرد از قرارها و مصوبات حزب، اقلیت از اکثریت و تبعیت تمام حزب از کمیته مرکزی تاکید دارد این امر را تصریح کرده است. هر رفیقی و این جمع بعنوان اقلیت حزبی می توانند تفسیر جداگانه و خلاف تفسیر کمیته مرکزی از اساسنامه حزبی در مورد تشکیل فراکسیون داشته باشند، اما این تفسیر جداگانه نباید مانع تبعیت آنها از قطعنامه کمیته مرکزی باشد. بر اساس اساسنامه حزبی آنها محق نیستند که تفسیر خود را به اجرا در آورند، این اقدام آنها و ادامه فعالیت فراکسیونی آشکارا عملی غیر حزبی است. آنها می توانند پایان کار فراکسیون را اعلام کنند و به عنوان یک اقلیت تشکیلاتی با تمام حقوقی که در همین نوشته هم تصریح شده است به فعالیت خود ادامه دهند، تا در اولین کنگره حزبی اعتراض خود به قطعنامه کمیته مرکزی را با نمایندگان کنگره در میان بگذارند و سرانجام در صورت جلب موافقت اکثریت در کنگره پلاتفرم سیاسی و تشکیلاتی خود را بکرسی بنشانند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸